

اعتبارسنجی روایات فضائل قرائت قرآن نزد شیعه

قاسم بستانی^۱
زهرا چنانی^۲
سیما آلبوغبیش^{۳*}

چکیده

گرچه بیشتر روایات فضائل قرائت قرآن با ذکر سند همراه است، اما به دلایلی نمی‌توان در مورد آن‌ها حکم کلی صادر کرد. زیرا ذکر سند به تنهایی کافی نیست و باید میزان ارزش و اعتبار آن‌ها نقد و بررسی شود. لذا مقاله پیش رو با تکیه بر منابع شیعی صرف، دامنه‌ی مطالعاتی خود را بر روی مهم‌ترین جوامع حدیثی و زبده‌ترین مصادر تفسیری متمرکز نموده و در ابتدا با نگاهی گذرا به پیشینه‌ی این علم، تطوراتی که بر آن گذشته، اهم کتب حاوی این علم، اهداف و اغراض راویان این احادیث و بررسی دیدگاه علما و مفسران در این خصوص پرداخته است. آنگاه با استخراج احادیث قرائت قرآن از کتب مذکور، آن‌ها را در هر کتاب به‌طور جداگانه شمارش نموده؛ احادیث ثواب‌ها و عقاب‌ها را نیز مشخص کرده و سپس با تقسیم احادیث هر کتاب به سه دسته: «من قرأ القرآن»، «من قرأ سورة» و «من قرأ آیه» تعداد آن‌ها را نیز در هر دسته جداگانه شمارش نموده است که نتیجه‌ی آماری حاصل از آن چنین بود: تعداد کل احادیث فضائل قرائت قرآن موجود در جوامع حدیثی مورد مطالعه، ۷۶۴ حدیث و در مصادر تفسیری مورد مطالعه، ۱۳۹۷ حدیث می‌باشد که مجموع آن ۲۱۶۱ حدیث می‌شود. ۴ روایت از این تعداد انتخاب گردید و به میزان اعتبار، سنجیده و نقد و بررسی شد که هر ۴ مورد ضعیف‌السند بودند.

کلیدواژه‌ها

اعتبارسنجی، روایات، راویان، قرائت قرآن، جوامع روایی شیعه.

۱. دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز. gboostanee@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز. Zahra.chenany@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول). s.albooghobysh2016@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۲۰

۱. طرح مسأله

قرآن کریم، مایه هدایت و رحمت است (لقمان: ۲-۱) و اصلاح دین و دنیای مردم را به عهده گرفته، سعادت جاودانی آنان را تضمین نموده است (هاشم زاده، نجمی، ۱۳۸۲ش، ۵). راه استفاده از این کتاب هدایت، خواندن و تفکر در آیات آن است. تلاوت آن در همه حال ارزشمند و دارای فضیلت و ثواب مادی و معنوی، دنیوی و اخروی است؛ از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت (ع) در ثواب و فضیلت قرائت قرآن چه به صورت عام و درباره اصل قرآن و چه به صورت خاص و درباره سوره‌های معینی از آن، روایات فراوانی در کتاب‌هایی چون «فضائل القرآن»، «ثواب القرآن»، «منافع القرآن»، «خواص القرآن»، «خواص السور» و «خواص الآیات» به ما رسیده است؛ این روایات در اکثر جوامع روایی و تفاسیر، با عناوینی چون «کتاب فضل القرآن» و «کتاب فضائل القرآن» گردآوری شده است (معارف، ۱۳۸۳ش، ۱۵:۱).

احادیث مذکور گرچه با ذکر سند همراه است، اما این به تنهایی کافی نیست و نمی‌توان راجع به آن‌ها حکمی کلی صادر کرد. زیرا متن و سند این احادیث و به خصوص سند آن‌ها که مهمترین طریق اثبات انتساب روایت به معصوم است، ممکن است با هر دلیلی، طی اهداف و اغراضی بیمارگونه، توسط برخی افراد مغرض و نادان خدشه‌دار گشته و از درجه‌ی اعتبار ساقط گردد. وجود انگیزه جعل و گزارش‌های مختلف از وقوع وضع در این زمینه نیز دقت و حساسیت بیشتر علمای حدیثی و علوم قرآنی را راجع به این امر برانگیخته و به بحث و بررسی بیشتری در این زمینه واداشته است. حداقل تلاش آنان این بوده که از روایان معلوم‌الحال که تصریح به جعل بودن آنان شده در این زمینه نقل روایت نکرده‌اند، اما در هیچ‌یک از این کتب، بررسی دقیقی پیرامون روایات فضائل انجام نشده و روایات صحیح از سقیم ناشناخته مانده است. بنابراین به صورت قطعی نمی‌توان حکم کرد و نتیجه گرفت که همه اخباری که درباره فضیلت و ثواب قرائت سوره‌ها و آیات رسیده، صحیح و از معصوم (ع) صادر شده است؛ بلکه باید با توجه به معیارهای سندی و متنی، میزان صحت و سقم این روایات و قوت و ضعف سند آن‌ها مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. لذا پژوهش حاضر، جهت دستیابی به اصل سند بخشی از این روایات و نقد و ارزیابی میزان اعتبار روایان آن‌ها تعیین گشته است. البته به دلیل محدودیت زمینه مطالعه، که بررسی تمام روایات در حد وسیع یک مقاله نمی‌گنجد و مطالعه و پژوهش وسیع‌تری می‌طلبد، ۴ روایت را از متقدم‌ترین منبع مورد مطالعه، گزینش نموده و به ارزیابی اسناد آن‌ها پرداخته است.

«فضایل» از فضل به معنی زیاده و مقصود از آن مستحبات و نوافل است که زیاده از واجبات و موجب ارتقای درجه مؤمن می‌شود؛ مثل نمازهای نافله و نماز شب (حسینی تهرانی، ۱۴۲۱ق، ۲۲) و در اصطلاح دانشی است که فضیلت و مزیت قرآن مجید یا بخش‌هایی از آن را مورد بررسی قرار می‌دهد تا مسلمانان به قرائت و توجه و تدبیر بیشتر در قرآن تشویق شوند (همان). این علم یکی از شاخه‌های کهن علوم قرآن است (اقبال، ۱۳۸۵ش، ۲۱۹). ابن ندیم به هنگام بر شمردن کتب تالیف شده درباره کتب آسمانی از کتاب‌هایی درباره «فضائل القرآن» نگاشته شده، نام می‌برد (ابن ندیم، ۱۴۲۲ق، ۵۷). این عنوان دارای ابواب و زیرشاخه‌هایی است که در جوامع حدیثی اولیه و متأخر تماماً ذکر شده‌اند: فضیلت استماع قرآن، فضیلت تدبیر در قرآن، فضیلت عمل به قرآن، فضیلت و ثواب تعلیم و تعلم قرآن، فضیلت حفظ قرآن و فضیلت و ثواب قرائت قرآن که خود شامل: فضیلت قرائت قرآن از روی مصحف، فضیلت قرائت قرآن در خانه، فضیلت ختم قرآن در مکه، فضیلت تلاوت قرآن با صوت نیکو، ثواب قرائت سوره یا آیات خاص، فضیلت قرائت قرآن در نماز، فضیلت تلاوت قرآن با صوت حزین و... همه این موارد، ریشه در قرآن داشته و این کتاب شریف باعث پیدایش و پرورش آن گردیده است (معارف، ۱۳۸۳ش، ۱: ۱۵).

نخستین اثری که به‌طور مستقل در این خصوص تألیف گشت، کتاب فضائل القرآن، ابی بن کعب است (آقابزرگ، ۱۳۵۵ق، ۱۶: ۲۶۲). در اواسط قرن دوم نیز کتاب منافع القرآن، از احادیث امام صادق (ع) تألیف شده است (همو، ۲۲: ۳۱۳). در سده سوم و چهارم نیز که مجامع حدیث تدوین شد، بخش‌هایی از این کتب به این موضوع اختصاص داده شد (شانه‌چی، ۱۳۸۸ش، ۱۲۷). از این عصر به‌عنوان عصر طلایی فضائل القرآن یاد می‌شود (اقبال، ۱۳۸۵ش، ۲۲۲). فضائل القرآن، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (قرن سوم ق)، محمد بن مسعود عیاشی (م. ۳۲۰ق)، محمد بن یعقوب کلینی (م. ۳۲۹ق) و احمد بن محمد بن عمار کوفی (م. ۳۴۶ق) مهم‌ترین تألیفات شیعی به‌جامانده در این علم است (امین، ۱۴۰۳ق، ۲: ۴۵۵).

قرن پنجم نیز کتاب فضائل القرآن ابی النصر العیاشی (ابن ندیم، ۱۴۲۲ق، ۵۸) تنها اثر مورد توجه است که در فهرست کتب فضائل قرآن به چشم می‌خورد؛ زیرا در سده‌ی پنجم و ششم، تألیف در این علم از رونق افتاد؛ اما از قرون هفتم تا دهم، تألیف کتب فضائل قرآن دوباره از سر گرفته شد و آثاری در این زمینه فراهم آمد. با این حال دوباره در سده‌های یازده تا سیزده، به‌جز کتاب تحفة الغرائب اثر شیخ محمد (م. ۱۲۰۰ق) فرزند محمد بن ابی سعید

هروی الهی، که درباره آیات و خواص سوره‌هاست، تألیف در این علم، روبه سردی نهاد (اقبال، ۱۳۸۵ش، ۲۲۲) و تنها در کتب تفاسیر، ابتدای تفسیر هر سوره و جوامع روایی همچون وسائل الشیعه، بحارالانوار، ثواب الاعمال و... می‌توان روایاتی از فضائل قرآن را یافت. البته ذکر این نکته لازم است که: علامه مجلسی در بحارالانوار کوشیده است تمامی احادیث و روایاتی را که در غیر کتب اربعه آمده جمع‌آوری نماید (رفیعی و حائری، ۱۳۶۲ش، ۲).

از قرن چهاردهم تا عصر حاضر نیز تألیفاتی در این خصوص فراهم آمده است که اکثراً نقل صرف از جوامع اولیه و متأخر حدیثی بدون هیچ‌گونه نقد و بررسی می‌باشد. نمونه بارز آن در عصر حاضر «فضائل القرآن الکریم و خواص سوره و آیات» از عبدالله صالحی است و در مقدمه تصریح دارد که به صحت و سقم روایات و بررسی متن و سند آن توجهی نداشته و فقط به نقل آن‌ها پرداخته و در یک مجموعه گردآوری نموده است (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۳۰ق، ۱: ۶). ضیاءالدین الأعلمی نیز در کتاب «خواص القرآن و فوائد» به بررسی فضائل قرآن و از جمله ثواب‌های قرائت تمام سور آن پرداخته است (اعلمی، ۱۴۲۰ق، ۲۷). از دیگر کتب این عصر، کتاب «الفرقان فی فضائل سور القرآن» اثر حسن شهیدی صالحی است که تمام سوره‌ها را یکایک یاد می‌کند سپس به فضیلت و خواص قرائت آن‌ها می‌پردازد (شهیدی صالحی، ۱۳۸۱ش، ۳۷۷). البته در این اواخر، مؤلفانی نیز سعی بر آن داشته‌اند تا با نقد و بررسی این روایات، صحیح از سقیم آن‌ها را بازشناسند که آخرین تلاش در این زمینه، استخراج صحاح کتب اربعه توسط محمدباقر بهبودی و اثر تازه‌ی فاضل معاصر آقای علی اکبر غفاری می‌باشد (معارف، ۱۳۸۹ش، ۴۱۲-۴۱۳).

۲. مهم‌ترین کتب حاوی روایات فضائل قرائت قرآن

در این قسمت با چینش و جدول‌بندی منظمی به‌گزینش مهم‌ترین منابع و جوامع حدیثی و مصادر تفسیری حاوی این علم در نزد شیعه و ذکر تعداد روایات فضائل قرائت قرآن موجود در این کتب و کیفیت و چگونگی این احادیث طبق موضوع‌بندی آن‌ها پرداخته می‌شود. از آنجا که در نزد شیعه و به خصوص علمای حدیثی، کتب اربعه «کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار» و جوامع متأخر «وافی، بحارالانوار، وسایل الشیعه، مستدرک الوسائل» و دیگر کتب مورد مطالعه، به ترتیب اولویت به‌عنوان بهترین و کامل‌ترین منبع حدیثی شیعه، محل رجوع‌اند؛ همچنین مصادر تفسیری مذکور به‌عنوان مهم‌ترین و مشهورترین مصادر تفسیری امامیه هستند که حاوی احادیث مورد

مطالعه می‌باشند؛ لذا در نوشتار حاضر آن‌ها را ملاک کار قرار داده و به بحث و بررسی پیرامون احادیث مورد نظر در آن‌ها پرداخته است.

۱-۲. جوامع و کتب حدیثی

الکافی، شیخ کلینی، قرن ۴ ق:

احادیث قرانت قرآن	من قرأ القرآن	من قرأ سورة	من قرأ آية
مجموع حدیث «۵۸ح» ثوابها «۵۴ح» عقابها «۴ح»	«۲۰ح»	سوره‌های مختلف «۱۷ح» توحید «۹ح»	چند آیه «۴ح» صد آیه «۱ح» تک آیه «۴ح» آیه‌الکرسی «۳ح»

من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، قرن ۴ ق:

احادیث قرانت قرآن	من قرأ القرآن	من قرأ سورة	من قرأ آية
مجموع «۸ح» ثوابها «۸ح» عقابها —	—	سوره‌های مختلف «۵ح» توحید «۳ح»	چند آیه — صد آیه — تک آیه —

تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، قرن ۵ ق:

احادیث قرانت قرآن	من قرأ القرآن	من قرأ سورة	من قرأ آية
مجموع «۸ح» ثوابها «۸ح» عقابها —	—	سوره‌های مختلف «۸ح» سوره خاص —	چند آیه — صد آیه — تک آیه —

الاستبصار، شیخ طوسی، قرن ۵ ق:

احادیث قرانت قرآن	من قرأ القرآن	من قرأ سورة	من قرأ آية
مجموع «۱ح» ثوابها «۱ح» عقابها —	—	سوره‌های مختلف «۱ح» (درباره خواندن عزائم در نماز). سوره خاص —	چند آیه — صد آیه — تک آیه —

ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، قرن ۴ ق:

من قرأ آية	من قرأ سورة	من قرأ القرآن	احاديث قرائت قرآن
چند آیه «ح۲» صد آیه «ح۲» آیه الكرسي «ح۱»	سوره های مختلف «ح۷۲» توحيد «ح۳»	«ح۶»	مجموع «ح۸۸» ثوابها «ح۸۶» عقابها «ح۲»

الوافي، ملا فيض كاشاني، قرن ۱۱ ق:

من قرأ آية	من قرأ سورة	من قرأ القرآن	احاديث قرائت قرآن
چند آیه «ح۷» صد آیه — تک آیه «ح۳»	سوره های مختلف «ح۶» توحيد «ح۹»	«ح۶»	مجموع «ح۳۷» ثوابها «ح۳۷» عقابها —

وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، قرن ۱۱ ق:

من قرأ آية	من قرأ سورة	من قرأ القرآن	احاديث قرائت قرآن
چند آیه «ح۳» صد آیه «ح۵» آیه الكرسي «ح۲»	سوره های مختلف «ح۸۴» توحيد «ح۲۱»	«ح۱۰»	مجموع «ح۱۳۴» ثوابها «ح۱۳۱» عقابها «ح۳»

بحار الانوار، علامه مجلسي، قرن ۱۱ ق:

من قرأ آية	من قرأ سورة	من قرأ القرآن	احاديث قرائت قرآن
چند آیه «ح۱۷» صد آیه «ح۲۵» آیه الكرسي «ح۱۶»	سوره های مختلف «ح۲۶۱» توحيد «ح۸۰»	«ح۳۱»	مجموع «ح۴۳۰» ثوابها «ح۳۹۸» عقابها «ح۳۲»

۲-۲. مصادر تفسيری

التفسير، مسعود عياشي، قرن ۴ ق:

من قرأ آية	من قرأ سورة	من قرأ القرآن	احاديث قرائت قرآن
چند آیه - صد آیه - آیه الكرسي «ح۲»	سوره های مختلف «ح۱۳» سوره خاص —	—	مجموع «ح۱۶» ثوابها «ح۱۵» عقابها «ح۴»

مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، قرن ۶ ق:

من قرأ آية	من قرأ سورة	من قرأ القرآن	احادیث قرآنت قرآن
چند آیه «۸ح» صد آیه — آیه الکرسی «۳ح»	سوره های مختلف «۲۵۰ح» توحید «۱۲ح»	—	مجموع «۲۳۷ح» ثوابها «۲۳۷ح» عقابها —

روض الجنان و روح الجنان، ابوالفتح رازی، قرن ۶ ق:

من قرأ آية	من قرأ سورة	من قرأ القرآن	احادیث قرآنت قرآن
چند آیه «۸ح» صد آیه — آیه الکرسی «۳ح»	سوره های مختلف «۲۵۰ح» توحید «۱۲ح» حدیث	«۶ح»	مجموع «۱۶۹ح» ثوابها «۱۶۲ح» عقابها «۷ح»

منهج الصادقین، فتح الله کاشانی، قرن ۱۰ ق:

من قرأ آية	من قرأ سورة	من قرأ القرآن	احادیث قرآنت قرآن
چند آیه «۷ح» صد آیه — آیه الکرسی «۹ح»	سوره های مختلف «۲۷۸ح» توحید «۱۹ح»	—	مجموع «۳۳۶ح» ثوابها «۳۳۵ح» عقابها «۱ح»

الصفای، ملا محسن فیض کاشانی، قرن ۱۱ ق:

من قرأ آية	من قرأ سورة	من قرأ القرآن	احادیث قرآنت قرآن
چند آیه «۱ح» صد آیه «۱ح» آیه الکرسی «۱ح»	سوره های مختلف «۶۷ح» سوره خاص —	«۳ح»	مجموع «۷۳ح» ثوابها «۷۳ح» عقابها —

البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، قرن ۱۱ ق:

من قرأ آية	من قرأ سورة	من قرأ القرآن	احادیث قرآنت قرآن
چند آیه «۳ح» صد آیه «۱ح» آیه الکرسی «۲ح»	سوره های مختلف «۲۴۳ح» سوره خاص —	—	مجموع «۲۵۰ح» ثوابها «۲۴۹ح» عقابها «۱ح»

نورالثقلین، عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی، قرن ۱۱ ق:

من قرأ آیه	من قرأ سورة	من قرأ القرآن	احادیث قرائت قرآن
چند آیه «ح۹»	سوره‌های مختلف «ح۸۳»	—	مجموع «ح۱۰۹»
صد آیه «ح»	توحید «ح۱۰»		ثوابها «ح۱۰۷»
آیه الکرسی «ح۲»			عقابها «ح۲»

تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، قرن معاصر:

من قرأ آیه	من قرأ سورة	من قرأ القرآن	احادیث قرائت قرآن
چند آیه «ح»	سوره‌های مختلف «ح۱۹۵»	—	مجموع «ح۲۰۷»
صد آیه —	اعلی «ح۶»		ثوابها «ح۲۰۶»
تک آیه —	توحید «ح۶»		عقابها «ح»

مجموع کل احادیث فضائل قرائت قرآن در کتب منتخب «جوامع حدیثی و مصادر تفسیری»، ۲۱۶۱ حدیث می‌باشد که در جدول زیر آمار کلی هر باب جداگانه نمایش داده شده است.

مصادر تفسیری	جوامع حدیثی
مجموع کل احادیث: ۱۳۹۷ حدیث	مجموع کل احادیث: ۷۶۴ حدیث
ثوابها: ۱۳۸۴ حدیث	ثوابها: ۷۲۳ حدیث
عقابها: ۱۶ حدیث	عقابها: ۴۱ حدیث
من قرأ القرآن: ۹ حدیث	من قرأ القرآن: ۷۳ حدیث
من قرأ سورة: ۱۴۴۴ حدیث	من قرأ سورة: ۳۷۹ حدیث
من قرأ آیه: ۶۲ حدیث	من قرأ آیه: ۹۵ حدیث

۳. اهداف و اغراض جاعلان احادیث فضائل قرائت قرآن

نشانه‌های دروغ‌پردازی در نقل حدیث در نخستین مراحل تاریخ اسلام (معروف حسنی، ۱۳۷۲ ش، ۱۵۷) و در زمان حیات رسول خدا (ص) به ظهور پیوست و ایشان از همان ابتدا با صراحت موضع سرسختانه‌ای نسبت به این پدیده‌ی شوم از خود نشان داده و مخالفت خویش را آشکارا اعلام نمودند: «قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ كُذِبَ عَلَي رَسُولِ اللَّهِ عَلَي

عَهْدِهِ حَتَّىٰ قَامَ خَطِيْبًا فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ كَثُرَتِ الْكُذَّابَةُ فَمَنْ كُذِبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوهُ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۱۵۸).

با وجود این پس از وفات حضرت و در دوران بعد با تنوع و تعدد انگیزه‌ها و علل، شدت و گسترش یافت (بستانی، ۱۳۸۶ش، ۲۵) و زمینه‌ها و اسباب جعل حدیث یکی پس از دیگری آشکار شد (معروف حسنی، ۱۳۷۲ش، ۱۵۷) و برخی به انگیزه‌های مختلف از خدمت گرفته تا خیانت به ساختن حدیث اقدام نمودند (بستانی، ۱۳۸۶ش، ۶). از جاعلان حدیث، داستان‌سرایان بودند که می‌گفتند: هرگاه کاری را خوب بدانیم برای آن حدیثی می‌سازیم. اینان اگر از سوی کسی به دروغ بستن بر رسول خدا (ص) متهم می‌شدند و راهی برای رهایی از آن نمی‌یافتند روشی دیگر در پیش می‌گرفتند (معروف حسنی، ۱۳۷۲ش، ۱۹۸) و می‌گفتند: ما برای پیامبر (به نفع او) دروغ می‌پردازیم نه بر او و این کار را نیز برای آن انجام می‌دهیم که دل‌های عامه مردم را نرم سازیم (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ۲: ۱۵۵ به نقل از حاکم نیشابوری، المدخل؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۱: ۱۲).

روایاتی نیز از راویان دروغ‌ساز در فضیلت قرانت قرآن نقل گردیده است. این دروغ‌سازان احادیثی را که درباره‌ی قرآن وارد شده است، کم پنداشته، از پیش خود حدیث‌های دیگری ساخته و بر آن‌ها افزوده‌اند؛ احادیثی که نه مضمون آن‌ها از طرف خداست و نه رسول خدا (ص) از آن‌ها اطلاع دارد (خویی، ۱۳۸۲ش، ۴۸). عده‌ای از این متشرعین و مقدسین که از زهد و عباد قوم به شمار می‌روند، برای تحریص و ترغیب مردم به اعمال دینی و پیروی از کتاب و سنت دست به چنین کاری زده‌اند (شهید ثانی، ۱۳۶۷ش، ۱۵۶) و روی پاره‌ای از نظرات غلط، از جعل و وضع حدیث باک نداشته، بلکه خود را در این امر مستحق پاداش می‌دیدند (شانه چی، ۱۳۸۸ش، ۱۳۸). ابی‌عصمت نوح بن ابی مریم مروزی، محمد بن عکاشه کرمانی، احمد بن عبدالله جویباری، میسرۃ بن عبد ربه، حسن بن عباس بن حریش رازی و مغیره بن سعید کوفی از جمله این اشخاص‌اند (کلاتری ارسنجانی، ۱۳۸۴ش، ۱۰۴-۱۰۶ به نقل از قرطبی، ۱۴۰۵ق، ۱: ۷۸). البته خود ابوعصمت به این حقیقت اعتراف نموده است، آنجا که از وی می‌پرسند: چگونه توانستی درباره یک سوره‌های قرآن از عکرمه که با وی هم‌زمان نبود، حدیث نقل کنی که او نیز از ابن عباس گرفته باشد؟

در جواب گفت: «چون دیدم، مردم از قرآن اعراض نموده و به فقه ابوحنیفه و مغازی محمد بن اسحاق سرگرم شده‌اند، این احادیث را برای خدا از پیش خودساخته، در اختیار مردم گذاشتم تا شاید که مسلمانان را به خواندن قرآن وادار و تشویق نمایم» (مجلسی،

۱۴۰۳ق، ۱۲: ۳۸۶؛ خوبی، ۱۳۸۲ش، ۴۸، همچین ر.ک: امینی، ۱۴۲۰ق، ۹). حاکم از یکی از زهاد نقل نموده که به وی گفتند چرا احادیث در فضیلت قرآن و سور آن می‌ساختی؟ وی همین جواب ابی‌عصمت را پاسخ گفت. آنگاه به وی گفتند: مگر نشنیده‌ای که پیغمبر (ص) فرمود: «هر کس بر من دروغ ببندد جایگاهش پر از آتش گردد؟»، گفت: من بروی دروغ نیستم بلکه به نفع وی حدیث ساختم. «ما کَذَّبْتُ عَلَيْهِ إِنَّمَا كَذَّبْتُ لَهُ» (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ۲: ۱۵۵ به نقل از حاکم نیشابوری، المدخل؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۱: ۱۲).

توجیه این افراد برای مبرا ساختن خویش از گناه، این است که:

۱- مراد پیامبر (ص) افرادی است که به ایشان جادوگر یا دیوانه می‌گفتند، نه مسلمانان و معتقدین به ایشان (میرداماد، ۱۳۱۱ق، ۱۹۸).

۲- مراد پیامبر (ص) افرادی است که به نیتی بد و به قصد خرابی دین، بر ایشان دروغ می‌بندند (بستانی، ۱۳۸۶ش، ۱۸ به نقل از ابن جوزی، ۱۳۸۱ق، ۱: ۹۵).

۳- خطاب این حدیث به کسی است که علیه و به زبان پیامبر (ص) دروغ می‌بندد، نه کسی که به نفع پیامبر (ص) چنین می‌کند و ما با این دروغ‌ها، به تقویت دین ایشان می‌پردازیم و آنچه مخالف دین باشد، تقویت نمی‌کنیم (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۴۱۵). ابن حبان نیز از قول ابن مهدی نقل می‌کند از میسر بن عبد ربه پرسیدم: این احادیث را که سخن از فضائل قرآن به میان می‌آورد از کجا آوردی؟ پاسخ داد: آن‌ها را وضع کردم تا مردم به خواندن قرآن علاقه‌مند شوند (کلانتری ارسنجانی، ۱۳۸۴ش، ۱۰۵؛ شهید ثانی، ۱۳۶۷ش، ۱۵۷-۱۵۸).

عثمان بن صلاح درباره حدیث معروفی که به واسطه ابی بن کعب از رسول خدا (ص) درباره فضائل یکایک سوره‌های قرآن نقل شده است، چنین می‌گوید: «در این حدیث تحقیقی به عمل آمده است و نتیجه تحقیق این بوده است که راوی حدیث می‌گوید: این حدیث را من با گروه دیگری به دروغ از پیش خود ساخته و در دسترس مردم گذاشتیم» (میرداماد، ۱۳۱۱ق، ۱۹۵؛ خوبی، ۱۳۸۲ش، ۴۸).

۴. دیدگاه علما و مفسران شیعه در رابطه فضائل قرائت قرآن

درباره احادیث و روایات فضائل قرائت قرآن، درستی یا نادرستی آن‌ها و استفاده یا عدم به‌کارگیری آن‌ها، میان علما و مفسران اختلاف است:

۴-۱. موافقان و دلایل آنان

الف) استشهاد به احادیث «من بلغ» عده‌ای به روایات «من بلغ» برای رسیدن به

ثواب‌ها استشهاد کرده‌اند؛ بدین معنا: اگر کسی قرآن را به امید پاداش بخواند، ثواب به او داده خواهد شد؛ اگرچه بعدها روشن شود که حدیث ساختگی بوده است (علوی مهر، ۱۳۸۴ش، ۸۳).

اینان با توجه به مسامحه در دلایل و منابع مستحبات که از آن به «تسامح در ادله سنن» تعبیر می‌شود، می‌گویند در مستحبات، خداوند متعال از باب تفضل و رحمت و اسعه‌ی خودش، این ثواب‌ها را به بندگان عنایت می‌کند (جواهری، ۱۳۸۵ش، ۲۱)؛ و به این احادیث استشهاد کرده‌اند: «عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ كَانَ لَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ.» (هر کس ثوابی را برای انجام دادن عملی بشنود و آن عمل را انجام دهد، ثواب از آن او خواهد بود؛ هر چند شنیده‌اش مطابق با واقع نباشد). «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ الزُّعْفَرَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ التَّمَسَّاسَ ذَلِكَ الثَّوَابِ أَوْ تَبَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ.» (هرکسی را که از جانب خداوند پاداش عملی در رسد و آن عمل را به امید پاداش انجام دهد؛ بدان دست خواهد یافت؛ هر چند حدیث، آن‌گونه که او دریافته است نباشد) (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲، ۱۳۲؛ برقی، ۱۳۷۴ش، صدوق، ۱۳۸۸ش، ۱۲).

علامه مجلسی می‌گوید: «جایز است خداوند با یک تسبیح گفتن صواب صدقه دادن صد شتر را بدهد... یا آنکه با یک تسبیح این امت ثوابی را بدهد که در برابر صدقه صد شتر در امت‌های سابق می‌داده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۹: ۸۷). شیخ کلینی، شیخ مرتضی، شیخ صدوق و شیخ طوسی از جمله کسانی هستند که عمل به روایات فضائل قرائت قرآن را از باب «من بلغ» جایز دانسته‌اند. البته آن‌ها هیچ‌گاه به ذکر صحت تمامی این احادیث به‌طور مطلق در منابع خویش تصریح نکرده؛ بلکه می‌خواستند برای حفظ سنت نبوی، حدیث را مدون سازند (به نقل از مهدب الدین البصری، ۱۴۲۲ق، ۵-۶) از این رو روایات متناقض را هم نقل کرده‌اند.

ب) جهت اثبات عدم تحریف قرآن: شیخ صدوق در کتاب «اعتقادات الامامیه» به این روایات جهت اثبات عدم تحریف قرآن تمسک نموده است: «هر چه روایت شده از ثواب خواندن هر سوره از قرآن و ثواب ختم کل قرآن و جایز بودن قرائت دو سوره در یک رکعت نماز نافله و منع از جمع دو سوره در یک رکعت فریضه شاهد قول ما است به اینکه همه قرآن همین قدر است که در دست مردم است» (صدوق، ۱۳۹۰ش، ۸۴).

ج) توجه به امکان تعبّد به پذیرش خبر واحد: شیخ طوسی از متقدمان و آیت‌الله خویی از معاصران در شمار قائلان به امکان تعبّد به خبر غیرقطعی (خبر واحد) بوده و معتقدند که در این زمینه فرقی میان فقه و غیر فقه وجود ندارد. آیت‌الله خویی در امکان تعبّد به پذیرش خبر واحد، سیره عقلا را که در مرتّب ساختن آثار علم بر طریق معتبر و گمان آور، فرقی بین آثار فقهی، تفسیری، اعتقادی و غیر آن نمی‌گذارند؛ پذیرفته و می‌نویسد: «شرط مهم در اعتبار همه روایاتی که دلیل معتبر شرعی بر حجّیت و اعتبار آن وجود دارد، این است که نباید مفاد و مضمون آن با قرآن، سنت قطعی و اجماع یا حکم صریح عقل ناسازگار باشد، چه اینکه در غیر این صورت، یقین به کذب و ساختگی بودن آن پیدا خواهد شد و به‌رغم داشتن سندی معتبر، بی‌ارزش خواهد بود؛ و در این سخن نیز، تفاوتی میان روایات فقهی و غیر فقهی وجود ندارد» (رستمی، ۱۳۸۰ش، ۱: ۴۶-۴۵).

شیخ طوسی در عدة الاصول نیز تعبّد به پذیرش روایت غیر قطعی را جایز دانسته و می‌گوید: «... أَنْ خَبَرَ الْوَاحِدَ لَا يُوجِبُ الْعِلْمَ وَأَنَّهُ كَانَ يَجُوزُ أَنْ تُرَدَّ الْعِبَادَةُ بِالْعَمَلِ بِهِ عَقْلًا وَقَدْ وَرَدَ جَوَازُ الْعِلْمِ بِهِ فِي الشَّرْعِ...» (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۷۶). رستمی به نقل از شیخ انصاری از زبان شیخ طوسی نقل می‌کند که می‌گوید: «دلیل اعتبار خبر واحد، اجماع شیعه است، زیرا این جانب خود آنان را این‌گونه یافتم که در عمل به روایاتی که در اصول و مصنّفات یکدیگر گردآمده تردید روا نداشته، بلکه جملگی آنان به روایات یکدیگر عمل می‌کنند و یکدیگر را در عمل بدان نکوهش نمی‌کنند» (رستمی، ۱۳۸۰ش، ۱: ۳۶). شیخ انصاری در فرائد الاصول درباره شرط اعتبار خبر واحد می‌نویسد: «تنها به خبر واحدی باید عمل کرد که نسبت به مؤدّی و محتوای آن، اطمینان و اعتماد پیدا شود که از چنین خبری در اصطلاح گذشتگان به خبر «صحیح» یاد می‌شده است» (انصاری، ۱۴۱۹ق، ۱: ۱۷۴).

اصل جواز عمل به حدیث ضعیف السنند مورد اتفاق علما است. آنچه مورد نهی شرعی قرار گرفته، نسبت دادن عمل به شارع مقدس است. آری اگر بر مجعول بودن یک حدیث دلیل داشته باشیم، عمل به آن جایز نیست، اما عمل کردن به روایتی که نمی‌دانیم مجعول است یا خیر و تنها به خاطر نداشتن دلیل بر صحت آن، آن را ضعیف معرفی می‌کنیم، جایز است؛ به شرط آنکه با سایر ادله و احکام تعارضی نداشته باشد (نصیری، ۱۳۸۷ش، ۲: ۱۹۳).

۴-۲. مخالفان و دلایل آنان

الف) ضعیف و مجعول بودن: برخی از مفسران مانند علامه طباطبایی در تفسیر خود

روایاتی را که درباره فضائل هر سوره وارد شده مطرح نمی‌کند و به‌جای آن اهداف و غرض هر سوره را ارائه می‌دهد. وی هر سوره را مجموعه‌ای از آیات می‌داند که دارای هدفی هستند. او با چنین فضای فکری به تفسیر تک‌تک آیات می‌پردازد؛ مثلاً می‌گوید مجموع این آیات، یک یا چند غرض دارد (علوی مهر، ۱۳۸۴ ش، ۳۷۵).

ب) عدم اعتبار و اعتماد به احادیث «من بلغ»: شانه چی در علم الحدیث می‌گوید: ما فعلاً درباره‌ی «فقه الحدیث» این دسته اخبار، سخنی نداریم ولی می‌خواهم نکته‌ای را به عرض خوانندگان برسانم و آن این است که همین تسامح «در نقل احادیث ثواب‌های مواعظ و قصص و مستحبات» موجب شده که در زهدیات و قصص و... منقولاتی در کتب، ثبت و بر فراز منابر گفته شود که انسان علم اجمالی به کذب پاره‌ای از آن‌ها دارد و نتیجه مشمول نفرین رسول اکرم (ص) خواهد بود که فرمود: «مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَيَتَّبِعُ مَقْعَدَةَ مِنَ النَّارِ» ثانیاً: این‌گونه تسامح در نقل، به‌عنوان ثانوی و از نظر کم‌ارزش ساختن احادیث حجج الهیه، مسلماً جایز نیست (شانه‌چی، ۱۳۸۸ ش، ۱۵۰-۱۵۱).

طبق دیدگاه‌های مطرح شده نمی‌توان یک طرفه قضاوت کرد و نظر و دیدگاه یک گروه را ملاک و مبنای صحت یا نادرستی احادیث مذکور، قرار داد بلکه برای حصول اطمینان، باید متن و سند این روایات، به‌خصوص میزان اعتبار اسناد و کیفیت آن‌ها کارشناسانه نقد و بررسی شود.

۵. میزان صحت و اعتبار روایات فضائل قرآن

هرچند جوامع اولیه حدیثی یعنی کتب اربعه «کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب و استبصار» و جوامع متأخر «وافی، بحارالانوار، وسایل الشیعه، مستدرک الوسائل» به‌عنوان بهترین و کامل‌ترین منبع حدیثی شیعه، محل رجوع‌اند و دیگر منابع به هر نوعی از آن‌ها سرچشمه می‌گیرند لیکن همان‌گونه که گذشت و صاحبان آن‌ها نیز اشاره کردند؛ به‌طور کامل و صد درصد صحیح نمی‌باشند؛ و حاوی روایات متناقض نیز می‌باشند. بر همین اساس ما در پاسخ به این سؤال که چه مقدار از این احادیث جعلی هستند؟ و به چه مقدار از آن‌ها استناد می‌شود؟ طبق بررسی‌های خود در این زمینه و با توجه به «معیارها و ملاک‌های سندی که مربوط به وضعیت راوی از حیث عدالت و فسق، ضبط و عدم آن، غفلت و اختلاط و دروغ‌گویی و مشابه آن و نیز مربوط به کیفیت سند از حیث اتصال و ارسال و مانند آن است و ملاک‌ها و معیارهای متنی که مربوط به صحت مضمون حدیث از حیث مطابقت با عقل، قرآن، زبان عربی و... است و نیز اعم از آن دو،

مانند اقرار واضح بر وضع» (بستانی، ۱۳۸۶ش، ۴۸)؛ این نتیجه به دست آمد که حجم متراکمی از روایات مجعول، معلول به علل زیر است: الف) یکی از افرادی که در جعل روایات خواص و فضائل سور، سهم زیاد دارد، حسن بن علی بن ابی حمزه بطنانی است که اکثر روایات خواص سور در کتاب ثواب الاعمال و عقاب الاعمال شیخ صدوق و نیز در کتاب امالی ایشان، از طریق وی نقل شده است (نصیری، ۱۳۸۷ش، ۲: ۱۹۳).

خویی در معجم رجال الحدیث از وی به عنوان کذاب ملعون، رجل سوء، کذاب و ضعیف فی نفسه یاد کرده و خاطر نشان نموده است که ابن الغضائری او را کذاب ملعون و کشی او را کذاب نامیده است (خویی، ۱۳۶۹ش، ۵: ۱۵) و این نشان از جعل و ساختگی بودن آن روایات دارد. ب) بخش دیگری از روایات مجعول مربوط به روایات خواص و فضائل القرآن که از ابی بن کعب انصاری نقل شده است، می باشد و برخی از علما و مفسرین از جمله شهید ثانی (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۰۹ق، ۵۷)، مامقانی در مقباس الهدایه (ر.ک: مامقانی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۴۱۱) و عبدالحلیم حلی (ر.ک: حلی، ۱۴۲۳ق، ۱: ۲۶۲) به مجعول بودن آن‌ها تصریح نموده‌اند. درعین حال می بینیم که این حدیث به صورت متفرق در ابتدا و انتهای سوره‌های قرآن در کتاب‌های مجمع‌البیان، جوامع الجامع، نور الثقلین، مستدرک الوسائل و... نقل شده است (نصیری، ۱۳۸۷ش، ۲: ۱۹۳).

مابقی احادیث فضائل قرائت قرآن اکثراً ضعیف‌السند هستند؛ و همان‌گونه که اشاره شد، اصل جواز عمل به حدیث ضعیف‌السند مورد اتفاق علما است. تعدادی از این روایات نیز به صورت مرسل نقل شده است. عده‌ای نیز که به صحیح و غیر جعلی بودن برخی احادیث فضائل قرائت قرآن و خالی از شبهه و تدلیس بودن آن‌ها اعتراف کرده؛ دلیل و استشهاد خود را بر اساس ضوابط و ملاک‌هایی همچون رابطه بین فضیلت سوره و محتوای آن دانسته‌اند. به این نمونه دقت بفرمایید: شیخ صدوق در حدیث صحیحی از جابر از امام صادق (ع) درباره فضیلت سوره «المعارج» نقل کرده است که: «سوره» (سأل سائل) را زیاد بخوانید؛ زیرا هر کس این سوره را زیاد قرائت کند، خداوند در روز قیامت از او درباره گناهانش سؤالی نمی‌کند و گناهانش بخشوده خواهد شد و او را با محمد (ص) و اهل بیتش (ع) در بهشت قرار خواهد داد» (صدوق، ۱۳۸۸ش، ۱۲۰).

بررسی محتوای سوره «معارج» نشان می‌دهد که غرض اصلی این سوره تأکید بر وقوع عذاب الهی بر کافران معاند است. طبیعی است که اگر کسی در قرائت این سوره استمرار داشته و در آن تدبیر کند به موقعیت کفار و عذاب آن‌ها در روز قیامت آگاه می‌شود و سرانجام مؤمنان و جایگاه بلند آن‌ها را در نزد خداوند نیز درک می‌کند. در نتیجه از آنچه موجب خواری

عذاب شده اجتناب نموده و از گناهان توبه و به عزت و سربلندی در بهشت رهنمون می‌شود. بی‌شک خداوند نیز از گناهان کسی که از همه گناهان خود توبه کرده است سؤال نخواهد کرد و او را در مقام پاکان و در جوار سرور نیکان یعنی محمد (ص) جای خواهد داد؛ بنابراین ملاحظه می‌شود که فضیلت سوره معارج با غرض آن رابطه‌ی منطقی و نزدیکی دارد و هر دو نیز با محتوای سوره سازگارند. از این رو نمی‌توانیم به‌سادگی روایت «ابی بن کعب» از پیامبر (ص) را قبول کنیم که نقل کرده است: «کسی که این سوره را قرائت کند از مؤمنینی که دعوت نوح را اجابت کردند به شمار می‌آید؛ و اگر اسیر یا زندانی آن را بخواند خداوند برای او گشایش می‌فرماید و او را تا زمانی که به خانه‌اش مراجعت کند حفظ می‌نماید» این فضیلت نه با محتوای سوره سازگاری چندانی دارد و نه با غرض سوره هماهنگ است. از این رو تنها در صورتی که دارای سند قطعی و محکم باشد می‌تواند مورد قبول و استناد واقع شود. بدین ترتیب در یک داد و ستد متقابل می‌توان از روایات صحیح فضائل سور به غرض آن‌ها رسید و با اتکا به غرض سور، روایات ضعیف السنند را نقادی و ارزیابی نمود (خامه‌گر، ۱۳۸۶ش، ۱۵۹).

۶. آسیب‌شناسی و بررسی نمونه‌هایی از احادیث فضائل قرآن

در این بخش از مقاله، نمونه‌هایی از احادیث فضائل قرائت قرآن ذکر و سپس بررسی سندی و محتوایی آن‌ها انجام می‌شود. از آنجا که انگیزه جعل در زمینه‌ی فضائل قرائت وجود دارد و به تصریح برخی جااعلان، این انگیزه تحقق یافته و احادیثی در این زمینه جعل شده است، باید به این‌گونه احادیث با دقت بیشتری نگریست. اشکالات محتوایی این احادیث و ضعف سندی آن‌ها با توجه به وقوع جعل در این زمینه، احتمال جعل و ضعف این احادیث را تقویت می‌کند.

اما از دلایل انتخاب چهار روایت برای بررسی سندی و محتوایی به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

۱. محدودیت کار؛ مقاله به دلیل حجم کم آن فرصت اعتبارسنجی روایات بیشتر را از نویسنده سلب کرده است.
۲. اثبات غرض نویسنده؛ غرض نویسنده مبنی بر این است که در میان روایات فضائل قرائت قرآن روایاتی وجود دارند که متن آن‌ها مخالف قرآن و راویان ضعیفی در سند آن‌هاست.
۳. متداول بودن چهار روایت؛ چهار روایات بررسی شده ذیل از متداول‌ترین روایات کتب روایی می‌باشند و روایات دیگر نمونه‌ای از قبیل همین روایات است.

۱-۶. روایت اول

«عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمُهورٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ مَسْعَدَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ فِي الْمُصْحَفِ تُخَفِّفُ الْعَذَابَ عَنِ الْوَالِدَيْنِ وَلَوْ كَانَا كَافِرِينَ»؛ «خواندن قرآن از روی متن آن، باعث تخفیف عذاب از پدر و مادر قاری است، هرچند که کافر باشند» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۶۱۳، ح ۴).

۱-۱-۶. بررسی سندی

اعتبار یک روایت، بستگی به سند، متن و منبعی که آن را ذکر کرده، دارد. یکی از راه‌هایی که برای اعتماد به روایات، شیوه محدثان بوده، بررسی سند روایات است، سند یک روایت یعنی تکیه‌گاه و مجرای رسیدن یک گزاره به دست ما که به واسطه روایان واقع در سلسله سند، درصد اعتماد به متن مشخص خواهد شد.

علی بن محمد علان الکلینی امامی و ثقة است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۲۶۰، ش ۶۸۲). وی دایی محمد بن یعقوب کلینی صاحب الکافی و یکی از افراد «عده من اصحابنا» در این کتاب است که از سهل بن زیاد نقل روایت می‌کند (خویی، ۱۳۶۹ش، ۱۳: ۱۳۷، ش ۸۴۰۳).

ابن جمهور یا حسن بن محمد بن جمهور فردی ثقة است، منتهی از روایان ضعیف نقل قول کرده و به روایات بدون سند و مرسل اعتماد داشته است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۶۲، ش ۱۴۴؛ خویی، ۱۳۶۹ش، ۶: ۱۲۳، ش ۳۱۰۲). مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ مَسْعَدَةَ از ایشان نامی در کتب رجال به میان نیامده و مهمل است. حسن بن راشد و جد وی نیز مهمل اند. اصطلاح «مهمل» به روایانی اطلاق می‌شود که فقط در سلسله سند روایات نامشان آمده اما در کتب رجال ترجمه نشده‌اند و اصطلاح «مجهول» به روایانی گفته می‌شود که در کتب رجال نامشان آمده، منتهی توثیق یا جرحی برایشان ذکر نشده است (ر.ک: غفاری/صانعی پور، ۱۳۸۸ش، ۸۴).

طبق بررسی فوق این روایت از نظر سند، ضعیف و دارای سه راوی مهمل است که از آنان اطلاعی در دست نیست. جالب اینکه از این سه راوی مهمل تنها همین یک روایت در کتب اربعه نقل شده است.

۲-۱-۶. بررسی دلالی

آنچه در اهمیت قرآن و شأن و منزلت آیات آن بیان شده، بنا به تصریح قرآن) برای نمونه

می‌توان به این دست آیات اشاره کرد: «كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (البقره: ۲۴۲)، «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف: ۶)، «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (الانبیاء: ۱۰)، «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص: ۲۹)، «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد: ۲۴) و روایات قطعی از پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام تنها در رابطه با تدبر در آیات قرآن و عمل به فرامین راستین آن می‌باشد نه خواندن و قرائت ظاهری آیات؛ چنانکه در جای جای تفسیر نمونه نیز به این امر آگاهی داده شده است (ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۱: ۵۹؛ ۳: ۲۴۳؛ ۵: ۱۴۴ و...). آیا هیچ عقلی قبول می‌کند خدایی که این چنین مردم را از عذاب خود بر حذر می‌دارد: «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ...» (و روزی رسد که هرکس از برادرش و از مادر و پدرش و از همسر و فرزندانش هم فرار می‌کند) (عبس: ۳۴، ۳۶). به سادگی برای خواندن چند آیه آن‌هم طوطی‌وار به طوری که معنای آیه را فهم نکند، آن هم برای کسانی که تمامی عمر بدان کافر بوده‌اند و با همین حال از دنیا رفته‌اند، موجب تخفیف در عذاب گردد؟ در سوره فاطر آمده است: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يَقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فِيمُوتُوا وَ لَا يَخَفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ»؛ «و آنان که کفر ورزیده‌اند آتش دوزخ را دارند. نه بر آنان [به مرگی دیگر] حکم شود تا بمیرند و نه [چیزی] از عذابش در حق آنان کاسته شود، بدین سان هر ناسپاسی را جزا دهیم» (فاطر: ۳۶).

طبق صریح این آیه شریفه، کسانی که کفر ورزیده و با این حال از دنیا رفته‌اند، به هیچ‌چیزی در عذابشان نیست، البته باید توجه داشت که کافر شخصی است که با توجه به روشن شدن حق و حقیقت از روی عناد با آن به مخالفت برخاسته و آن را انکار می‌کند.

پس روایت فوق از نظر دلالت با این آیه سازگار نیست و یکی از محک‌ها و معیارهای شناخت احادیث صحیح، موافقت آن‌ها با قرآن یا عدم مخالفت آن‌ها با مفهوم آیات است (برای نمونه دیگری از چنین احادیثی: نک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۶۹)؛ که نیز فاقد چنین معیاری است.

۲-۶. روایت دوم

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ ۱. در اینجا مقصود انتفاع واقعی از قرآن که همان تدبر و تفکر در آن است البته صرف خواندن قرآن و یا حتی نگاه کردن به قرآن اجر و ثواب الهی دارد و یا حتی منجر به تحول در فرد بشود.

طَلْحَةَ عَنْ جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِائَةً مَرَّةً حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ غُفِرَ لَهُ ذُنُوبٌ خَمْسِينَ سَنَةً» (از رسول خدا (ص) نقل شده: هر کس هنگام خواب سوره توحید را صد مرتبه بخواند گناهان پنجاه ساله اش را خدا می بخشد) (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۶۲۰، ح ۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۲: ۵۰۸، ح ۴).

۶-۲-۱. بررسی سندی

مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى الْعَطَّارِ اِمَامِي ثِقَةٍ وَفَرْدِي جَلِيلِ الْقَدْرِ اسْت (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۳۵۳، ۹۴۶؛ خویی، ۱۳۶۹ش، ۱۹: ۳۳).

مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ نَيْزِ فَرْدِي مُورِدِ وَثُوقِ وَجَلِيلِ الْقَدْرِ اسْت (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۳۳۴، ش ۸۹۷؛ خویی، ۱۳۶۹ش، ۱۶: ۳۰۸).

عَلِيُّ بْنُ النُّعْمَانَ فَرْدِي ثِقَةٍ وَسِرْشَنَاسِ اسْت (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۲۷۴، ش ۷۱۹؛ خویی، ۱۳۶۹ش، ۱۳: ۲۲۹).

اما راوی آخر عبدالله بن طلحه نه‌دی: از ایشان جز اینکه از شاگردان امام صادق (ع) بوده، اطلاعی در دست نیست (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۲۲۴، ش ۵۸۸؛ طوسی، ۱۳۸۱ق، ۲۳۲، ش ۳۱۴۶؛ خویی، ۱۳۶۹ش، ۱۱: ۲۴۳). بنابراین، سند این روایت هم به علت معلوم نبودن احوال طلحه، ضعیف است.

۶-۲-۲. بررسی دلالتی

یکی از معیارهایی که برای شناخت احادیث ساختگی معرفی شده «زیاده‌روی در پاداش برای انجام کارهای کوچک «یا همان» عدم تناسب پاداش با نوع عمل» است. عقل این عدم توازن میان عمل و پاداش را قبول نمی‌کند (بستانی، ۱۳۸۶ش، ۲۴۶). احادیثی از این دست که آثار گزاف و غیر معقولی بر یک عمل کوچک مثلاً خواندن حتی بدون فهم و عمل، چندین بار فلان سوره مترتب کرده است، قرآن را از مجرای اصلی خود به‌عنوان کتابی برای هدایت به کتابی برای ثواب بردن تبدیل کرده است. در اثر این روایات، افراد به‌جای تلاش برای فهم و تدبر در قرآن و انجام اعمالی دشوار نظیر انفاق و هجرت و جهاد فی سبیل الله، به اعمالی کوچک و ناچیز دل‌خوش می‌کنند و گمان می‌کنند که می‌توانند به سبب این اعمال کوچک و برش‌های جدا افتاده از منظومه اخلاق و اعمال صالح، کیسه حسنات خود را پر کنند و ثوابی در حد مجاهدان و شهدا و پیامبران ببرند و دنیا و آخرت خود را تضمین کنند. در صورتی که دین انسانی را تراز

و شایسته می‌داند که در همه صحنه‌های زندگی صالح و مجاهد و تلاشگر و اخلاقی باشد. احادیثی چنین متأسفانه باعث شده مردم به آرزوهای واهی خود سرخوش گردند و به دنبال هیچ تجدیدنظری در اعمال و رفتار خود نیفتند مگر خود پیامبر (ص) نفرمود: «وَيْلٌ لِّمَنْ لَّا كَهَا بَيْنَ لَحِييِهِ ثُمَّ لَمْ يَتَدَبَّرْهَا؛ وای بر کسی که آیات را در دهان بچرخاند یعنی بخواند و تأمل و تدبیر در آن ننماید» (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۲: ۹۰۸) و مگر از ایشان نقل شده «رُبَّ تَالِ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنِ يَلْعَنُهُ»؛ بسا خواننده قرآنی که قرآن او را لعنت می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۸۹: ۱۸۴).

و نیز می‌فرمود: «مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَ آثَرَ عَلَيْهِ غَيْرَهُ حُبَّ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَانَ فِي دَرَجَةِ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى الَّذِينَ تَبَدُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ؛ هرکس که قرآن را بیاموزد و به آن عمل نکند و دوستی دنیا و آرایش آن را بر عمل به قرآن ترجیح دهد، شایسته خشم خدای بزرگ می‌شود و در درجه‌اش همسان یهودیان و مسیحیان خواهد شد که کتاب خدا را پشت سر می‌افکنند» (دیلمی، ۱۴۰۸ ق، ۴۱۲). در همه این موارد، تأمل، تدبیر و عمل کردن به قرآن خواسته دستوره‌ای دینی است نه صرفاً خواندن و لقلقه زبان بودن. پس این روایت و روایات همسوی به سبب برخورداری از ثواب‌های نامعقول برای اعمالی اندک، نه تنها با محک و معیار عقل‌ناسازگارند که با روح شریعت و هدف از دین که ساختن جامعه با افرادی پرتلاش است، در تضادند.

۳-۶. روایت سوم

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَدْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَرَّةً بُورِكَ عَلَيْهِ وَ مَنْ قَرَأَهَا مَرَّتَيْنِ بُورِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِهِ وَ مَنْ قَرَأَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بُورِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِهِ وَ عَلَى جِيرَانِهِ وَ مَنْ قَرَأَهَا اثْنَتَيْ عَشْرَةَ مَرَّةً بَنَى اللَّهُ لَهُ اثْنَيْ عَشَرَ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ فَيَقُولُ الْحَفَظَةُ اذْهَبُوا بِنَا إِلَى قُصُورِ آخِينَا فَلَانَ فَنَنْظُرُ إِلَيْهَا وَ مَنْ قَرَأَهَا مِائَةَ مَرَّةٍ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُ خَمْسٍ وَ عَشْرِينَ سَنَةً مَا خَلَا الدَّمَاءَ وَ الْأَمْوَالَ وَ مَنْ قَرَأَهَا أَرْبَعِينَ مَرَّةً كَانَ لَهُ أَجْرُ أَرْبَعِينَ شَهِيدٍ - كُلُّهُمْ قَدْ عُفِرَ جَوَادُهُ وَ أُرِيقَ دَمُهُ وَ مَنْ قَرَأَهَا أَلْفَ مَرَّةٍ فِي يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى مَقْعَدَهُ فِي الْجَنَّةِ أَوْ يَرَى لَهُ».

از امام باقر (ع) نقل شده: هر کس سوره توحید را یک مرتبه بخواند باعث برکت برای خودش و هر کس دو مرتبه بخواند سبب برکت برای خود و خانواده‌اش و هر کس

سه مرتبه بخواند باعث برکت خود، خانواده و همسایگانش شود و هر کس دوازده مرتبه بخواند خدای، دوازده قصر در بهشت برایش بنا کند پس [فرشتگان یا موکلان] حافظ گویند ما را به قصرهای برادرمان ببرید تا آن‌ها را ببینیم و هر کس صد مرتبه آن را بخواند گناهان بیست و پنج ساله‌اش به جز قتل و حقوق مالی بخشیده شود و هر کس چهارصد مرتبه بخواند برایش اجر چهارصد شهیدی که اسبانشان در معرکه جنگ پی شده و خورش ریخته است، می‌نویسند و هر کس هزار مرتبه این سوره را در روز یا شب بخواند نمیرد تا جایگاه بهشتی‌اش را خودش ببیند یا دیگری این جایگاه او را ببیند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۶۱۹، ح ۱، باب فضل القرآن؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۲: ۵۰۷، ح ۱).

۶-۳-۱. بررسی سندی

محمد بن یحیی در سند قبل گذشت.

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى اشعری امامی و ثقه و فردی جلیل القدر است (طوسی، بی‌تا، ۶۰، ش ۷۵؛ خوبی، ۱۳۶۹ش، ۳: ۸۵).

از دو راوی آخر در کتب رجال اطلاعی در دست نیست.

طبق بررسی فوق این روایت نیز به علت وجود دو راوی مهمل از نظر سند مخدوش است.

۶-۳-۲. بررسی دلالی

این روایت به علت در برداشتن ثواب‌های فراوان و غیر معقول و نیز وعده بخشش گناهان بیست و پنج ساله تنها با خواندن صد مرتبه سوره توحید و بردن اجر چهارصد شهید معرکه که با سختی و جان‌فشانی در راه خدا با زجر کشته شده‌اند در قبال چهارصد بار خواندن این سوره، دور از قوانین حاکم بر قرآن و دستورات دینی است. قطعاً اگر دین این آموزه‌های مبالغه‌آمیز را ترویج داده بود چه کسی حاضر به خطر کردن و از جان گذشتن بود؟ در خانه نشستن و این سوره را خواندن و اجر شهید معرکه بردن را کدام عقلی می‌پذیرد که به خدا و اولیای دین نسبت دهیم؟ پیامد سویی که این دست احادیث در بردارد، جری کردن مردم بر انجام معاصی و ترک طاعات است، وقتی با خواندن یک سوره همه گناهان بخشیده و این همه ترقی نصیب انسان شود، کم‌کم باب تسویف و روح اباحه‌گری ترویج یافته و عمل‌گرایی به دستورات دین و تلاش از جامعه دینی رخ برمی‌بندد.

۴-۶. روایت چهارم

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: لَا تَمَلُّوا مِنْ قِرَاءَةِ- إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زَلْزَالَهَا فَإِنَّهُ مَنْ كَانَتْ قِرَاءَتُهُ بِهَا فِي نَوَافِلِهِ لَمْ يَصِبْهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِزُلْزَلَةٍ أَبَدًا وَ لَمْ يُمْتْ بِهَا وَ لَا بِصَاعِقَةٍ وَ لَا بِآفَاتٍ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَمُوتَ وَ إِذَا مَاتَ نَزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ كَرِيمٌ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ فَيَقْعُدُ عِنْدَ رَأْسِهِ فَيَقُولُ يَا مَلِكُ الْمَوْتِ ازْفُقْ بِوَلِيِّ اللَّهِ فَإِنَّهُ كَانَ كَثِيرًا مَا يَذْكُرُنِي وَ يَذْكُرُ تِلَاوَةَ هَذِهِ السُّورَةِ وَ تَقُولُ لَهُ السُّورَةُ مِثْلَ ذَلِكَ وَ يَقُولُ مَلِكُ الْمَوْتِ قَدْ أَمَرَنِي رَبِّي أَنْ أَسْمَعَ لَهُ وَ أُطِيعَ وَ لَا أُخْرِجَ رُوحَهُ حَتَّى يَأْمُرَنِي بِذَلِكَ فَإِذَا أَمَرَنِي أَخْرَجْتُ رُوحَهُ وَ لَا يَزَالُ مَلِكُ الْمَوْتِ عِنْدَهُ حَتَّى يَأْمُرَهُ بِهِ قَبْضَ رُوحِهِ وَ إِذَا كَشِفَ لَهُ الْغِطَاءُ فَيَرَى مَنَازِلَهُ فِي الْجَنَّةِ فَيُخْرِجُ رُوحَهُ مِنْ أَلَيْنَ مَا يَكُونُ مِنَ الْعِلَاجِ ثُمَّ يَشِيعُ رُوحَهُ إِلَى الْجَنَّةِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَبْتَدِرُونَ بِهَا إِلَى الْجَنَّةِ» (كلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۶۲۶، ح ۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۲: ۵۱۵، ح ۲۴).

حضرت صادق (ع) فرمود: از خواندن سوره «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زَلْزَالَهَا» خسته نشوید؛ زیرا هر کس در نمازهای نافله خود آن سوره را بخواند هرگز خدای عز و جل او را به زمین‌لرزه گرفتار نکند و بدان نمیرد و نیز به برق زدن و آفت‌های دیگر دنیا دچار نگردد تا بمیرد و چون بمیرد فرشته کریمی از جانب پروردگارش بر او فرود آید و بالای سرش بنشیند پس گوید: ای ملک الموت با دوست خدا مدارا کن و جانش را به آسانی بگیر زیرا که او بسیار مرا یاد می‌کرد و این سوره را می‌خواند و آن سوره نیز به ملک الموت مانند همین حرف را بگوید و ملک‌الموت گوید: پروردگارم به من فرمان داده که گوش به فرمان و مطیع او باشم و جانش را نگیرم تا بدان دستور دهد و چون خودش دستور داد آنگاه جانش را بگیرم و پیوسته ملک‌الموت نزد او است تا خود او بگیرد و جانش دستور دهد و چون پرده از برابر دیده‌اش به کنار رود منزل‌های خود را در بهشت ببیند و جانش به آسان‌ترین وجهی بیرون رود، سپس جان او را هفتاد هزار فرشته تا بهشت بدرقه کنند و شتابانه او را به بهشت رسانند» (مصطفوی، ۱۳۶۹ش، ۴: ۴۳۴).

۴-۶-۱. بررسی سندی

علی بن ابراهیم؛ امامی و ثقة است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۲۶۰، ش ۶۸۰؛ خویی، ۱۳۶۹ش، ۱۲: ۲۱۲).

ابیه= ابراهیم بن هاشم قمی: درباره این شخصیت توثیق صریحی وجود ندارد اما مدح شده است (طوسی، بی‌تا، ۱۱، ش ۶). علامه حلی گوید: «کسی از اصحابمان را

نیافتیم که از این شخص به بدی یاد کرده باشد و نه کسی از ایشان به خوبی یاد کرده است و روایات‌های منقول از ایشان فراوان و بهتر پذیرفتن قول ایشان است» (حلی، ۱۴۱۱ق، ۴، ش ۹).

علی بن معبد از اصحاب امام هادی (ع) و دارای کتابی حدیثی است (طوسی، ۱۳۸۱ش، ۳۸۸، ش ۵۷۱۱). اما توثیقی برایش ذکر نشده، پدرش اصلاً نامش در کتب رجال نیامده و «عمن ذکره» نیز مشخص نیست چه کسی است و سند علاوه بر ضعفی که از ناحیه علی بن معبد و پدرش دارد، به این دلیل که «عمن ذکره» معلوم نیست چه کسی است، مرسل و غیرقابل اعتماد است.

۶-۴-۲. بررسی دلالی

خواندن قرآن سفارش خود قرآن و روایات پیامبر و اهل بیت (ع) است، خواندنی که همراه تدبیر، تفکر و زمینه‌ساز عمل به فرامین آن باشد. به دیگر سخن، هدف از نزول قرآن معرفت‌افزایی و تشویق مؤمنان به عمل‌گرایی و پیاده‌سازی دستوره‌های الهی است، لذا باید به روایاتی که در آن‌ها وعده‌های باارزش در قبال قرائتی معمولی ارزانی شده، به دید نقادانه نگریست. از طرفی اگر واقعاً این آیات و سوره‌ها این آثار را داشته، نباید پیامبر و ائمه یا مؤمنانی که این آیات را روز و شب می‌خواندند به بلاای مطرح‌شده مبتلا می‌گردیدند. در میان هزاران مسلمان که با این حوادث طبیعی از دنیا رفته‌اند، آیا به‌واقع یک نفر هم نبوده که این سوره را مکرر خوانده باشد؟

۷. نتیجه‌گیری

نتیجه آنکه علی‌رغم اعتبار و ارزش فراوانی که جوامع حدیثی در نزد ما دارند، با صراحت باید گفت تمامی احادیث و روایات آن‌ها صد در صد صحیح و بی‌عیب نیست. کما اینکه خود مؤلفان آن کتب نیز به این حقیقت معترف بودند. لیکن این مشکل با ملاک‌ها و ضوابطی حل‌شدنی است. طبق بررسی‌های انجام شده، نتایج زیر به دست آمد:

۱. بخشی از این روایات به طور قطع مجعول است؛ مثل احادیث نقل‌شده از ابو عصمت نوح بن مریم مروزی، حدیث مفصل ابی بن کعب انصاری درباره فضائل تمام سور قرآن و روایات منقول از حسن بن علی بن ابی حمزه بطنانی که در کتب حدیثی و تفاسیر به‌صورت پراکنده در ابتدا یا انتهای آن کتب به فراوانی یافت می‌شد.

۲. سایر روایات نیز ضعیف‌السند هستند و عمل به آن‌ها از باب اقتضا و مشروط به شرایط صحت می‌باشد؛ یعنی در صورتی که با قرآن، سنت، عقل و اجماع منافی نباشد و معیارهای صحت سندی و متنی را دارا باشد، پذیرفته است و عمل بدان جایز می‌باشد. در غیر این صورت ساختگی بوده و پذیرفته نخواهد شد.

۳. احادیثی که ثواب‌های فراوان یا نتایج غیر متعارف را در قبال کارهای کوچک بیان می‌کنند علاوه بر اینکه با حکم عقل قابل جمع نیست، با مذاق شریعت و آموزه‌های آن در تنافی‌اند و سبب مسخ روح شریعت و تربیت انسان‌های لایبالی می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، الموضوعات، تحقیق: عبدالرحمان محمد عثمان، مدینه، المكتبة السلفية، ۱۳۸۱ق.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق بن محمد، الفهرست، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفة، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: یاحقی محمد جعفر؛ ناصح، محمد مهدی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی قدس رضوی، ۱۴۰۸ق. اعلی، ضیاء‌الدین، خواص القرآن و فوائده، بیروت، مؤسسة الأعلی، ۱۴۲۰ق.

اقبال، ابراهیم، فرهنگ‌نامه علوم قرآن، تهران، مؤسسه انتشارات کبیر، ۱۳۸۵ش. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق: الامین، حسن، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق. امینی، عبدالحسین، الوضّاعون و احادیثهم، تحقیق: یوزبکی، سید رامی، بی‌جا: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامية، ۱۴۲۰ق.

انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الأصول، قم، مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۹ق. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعه الی تصانیف الشیعه، نجف، مطبعة الغری، ۱۳۵۵ق. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسة البعثة - قم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق: رجائی، مهدی، قم، المجمع العالمی لأهل البيت (ع)، ۱۳۷۴ش.

بستانی، قاسم، معیارهای شناخت احادیث ساختگی، اهواز، رشش، ۱۳۸۶ش. بصری، مهذب‌الدین احمد بن عبدالرضا، فاتق المقال فی الحدیث و الرجال، تحقیق: قیصری، غلامحسین، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث/ قسم احیاء التراث، ۱۴۲۲ق. جواهری، سید محمد حسن، پرسمان علوم قرآنی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۵ش. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المدخل الی الصحیح، تحقیق: ربیع هادیث عمیر مدخلی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۴ق.

حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسایل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.

حسینی تهرانی، سید محمد حسین، نور ملکوت قرآن، مشهد، انتشارات نور ملکوت، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.

- حلی، عبدالحلیم، الرسول المصطفی و فضائل القرآن عرض و نقد، بیروت، دارالأثر، ۱۴۲۳ق.
 خامه گر، محمد، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
 خویی، سید ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، مترجم: هاشم زاده هریسی، هاشم؛ نجمی، محمدصادق، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۸۲ش.
 _____، معجم رجال الحدیث، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۳۶۹ش.
 دلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
 رستمی، علی اکبر، آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان علیهم السلام، بی‌جا، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰ش.
 رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم؛ حائری قزوینی، سید مهدی، دایرةالمعارف تشیع، تحقیق، بهاء الدین خرمشاهی، تهران، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع)، ۱۳۶۲ش.
 سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق: سعید المندوب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
 شهید ثانی، زین الدین بن علی، الدرايه و علم مصطلح الحدیث، نجف، مطبعة النعمان، ۱۴۰۹ق.
 _____، الرعايه فی علم الدرايه، تحقیق: بقال، عبدالحسین محمدعلی، قم، مکتبه آية الله المرعشی العامه، ۱۳۶۷ش.
 شهیدی صالحی، عبدالحسین، تفسیر و تفاسیر شیعه، قزوین، انتشارات حدیث امروز، ۱۳۸۱ش.
 صالحی نجف‌آبادی، فضائل القرآن و خواص سوره و آیاته، بی‌جا، المکتبه الحیدریه، بی‌تا.
 صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
 _____، اعتقادات الامامیه (با حواشی و توضیحات شیخ مفید)، مترجم: حسنی طباطبایی یزدی، میر سیدمحمدعلی، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰ش.
 _____، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تحقیق: مجاهدی، محمدعلی، قم، انتشارات سرور، چاپ پنجم، ۱۳۸۸ش.
 طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
 طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: بلاغی محمدجواد، تهران، انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
 طوسی، محمد بن حسن، الأستبصار فی ما اختلف من الأخبار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۳ش.
 _____، العدة فی اصول الفقه، تحقیق: انصاری، رضا، قم، المطبعة ستاره، ۱۴۱۷ق.
 _____، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه لشیخ المفید، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۵ش.
 _____، رجال الطوسی، نجف، انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ق.
 _____، فهرست الطوسی، نجف، مکتبه المرتضویه، بی‌تا.
 عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، تحقیق: رسولی محلاتی سید هاشم، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
 علامه حلی، ابی منصور حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، محقق: محمدصادق بحرالعلوم، نجف اشرف، انتشارات دارالذخائر، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
 علوی مهر، حسین، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ش.

- عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تحقیق: رسولی محلاتی سید هاشم، تهران، چاپخانه علمیّه، ۱۳۸۰ ش.
- غفاری، علی اکبر، صانعی پور، محمدحسن، الدراسات فی علم الدرايه، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.
- فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تحقیق: اعلمی حسین، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۰۵ ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: موسوی جزایری طیب، قم، انتشارات دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش.
- کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتاب فروشی محمدحسن علمی، چاپ سوم، ۱۳۳۶ ش.
- کلانتری ارسنجانی، علی اکبر، نقش دانش رجال در تفسیر و علوم قرآنی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ ق.
- _____، اصول الکافی، ترجمه مصطفوی، تهران، کتاب فروشی علمیّه اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
- مامقانی، عبدالله، مقياس الهدايه فی علم الدرايه، تحقیق: مامقانی، محمدرضا، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۱ ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامع لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تحقیق: بهبودی، محمدباقر، بیروت، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- _____، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تحقیق: رسولی محلاتی، سید هاشم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- مدیر شانه چی، کاظم، علم الحديث، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۸ ش.
- معارف، مجید، پرسش و پاسخ‌هایی در شناخت تاریخ و علوم قرآنی، تهران، انتشارات کویر، چاپ هشتم، ۱۳۸۳ ش.
- _____، تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی، تهران، انتشارات کویر، چاپ یازدهم، ۱۳۸۹ ش.
- معروف حسنی، هاشم، اخبار و آثار ساختگی؛ سیری انتقادی در حدیث، مترجم: صابری حسین، مشهد، آستان قدس رضوی؛ بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- میرداماد، محمدباقر، الرواشح السماويه فی شرح احادیث الامامیه، بی‌جا، ۱۳۱۱ ق.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، انتشارات جامعه مدرّسین، ۱۴۰۷ ق.
- نصیری، علی، معرفت قرآنی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.